

سنگسار

تا بکی بسنگ میکویی پیکرم را
پر خون میکنی این زیبا سرم را
جرمم چیست جزآنکه آزادی خواهم
هیچ نمی نگری چشمان ترم را
بزن بکش ،بزنچیر نا مردمی بند
تا نبینی در زمین ،تو دیگر اثرم را
من زنم ،دخترم ،خواهرم ،مادرم
جدا کن با تبر تو خود سرم را
جفا کار،خودخواه،بی مروت،بیوفا
بکوبم سنگ فرو بریخاک کمرم را
شلاق نا مردمی بکوب بتن لرزانم
لبریز اشک و خون کن ساغرم را
آسمان سنگ ببارد بر این قانون تو
با نا مردمی میکشند زیبا دخترم را
در خلقت ما و تو با هم برابریم
باز میجویی نکته های کمترم را
مهر و محبت،عشق و صفا درمنست
در خاک میکنی دامن مرد پرورم را
نیک دانی پروازم سوی آفتاب است
زاین رو میندی بزنچیر تو شهپر را
ز مروت دورست سوما گرخاموشی تو
با خون سرخم بنویس بتاریخ خبرم را
سوما کاویانی
2011-6-1

